موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث 36 از مراجعه 48

اشکال: تعداد سابقین

خداوند سبحان در توصیف نخستین سابقین فرموده است: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَ الْأَنْصارِ وَ الَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْري تَحْتَهَا الْأَنْهار»[[1]](#footnote-1): نخستین سبقت گیرندگان از مهاجران و انصار و به پیروی کنندگان آنان به نیکی، خداوند از آنان راضی و آنان از خداوند راضی اند و بر آنان جنت هایی را که نهرها از زیر آنها جاری است، آماده کرده است. آنان کسانی اند که قبل از فتح انفاق کرده و قتال نموده اند و بر کسانی که پس از فتح انفاق کرده و قتال نموده اند، برترند و اهل بیعت رضوان از آن جمله اند. آنان بیش از هزار و چهارصد نفر بودند، در این صورت چگونه گفته می شود که سابق این امت یک نفر است؟[[2]](#footnote-2)

پاسخ

درباره اینکه مقصود از سابقین اولین چه کسانی اند، اقوال مختلف است: کسانی که به سوی دو قبله نماز گزاردند؛ اهل بیعت رضوان (بیعت حدیبیه)؛ اهل بدر؛ و اسلام آوردگان قبل از هجرت از جمله اقوالی است که در این باره گفته شده است.[[3]](#footnote-3) ولی از آیه شریفه قرینه ای بر آنها وجود ندارد. آری، از آیه می توان استفاده کرد که آنان سبقت گیرندگان در مهاجرت و نصرت بوده اند، زیرا وصف مهاجرین و انصار، پس از «السابقون الاولون» به آن اشعار دارد.[[4]](#footnote-4) با این حال، از آیه «وَ الَّذينَ جاؤُ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذينَ سَبَقُونا بِالْإيمان‏»[[5]](#footnote-5) که به مهاجرین و انصار نظر دارد، و نیز آیه «لِلْفُقَراءِ الْمُهاجِرينَ الَّذينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ ... وَ الَّذينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَ الْإيمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ ... وَ الَّذينَ جاؤُ مِنْ بَعْدِهِمْ»[[6]](#footnote-6) به دست می آید که مقصود سبقت گیرندگان در ایمان است. سبق و لحوق، وصفی است نسبی و افرادی می توانند نسبت به افرادی دیگر سابق و نسبت به دیگران لاحق باشند، در نتیجه بر عموم مسلمانان از صدر اسلام تا قیامت قابل انطباق است، اما در وصف «الاولون» به دست می آید که نخستین سابقین (طبقه اول) مقصود است.[[7]](#footnote-7) بنابراین، مقصود از «سابقون الاولون» نخستین مؤمنان از مهاجران و انصار می باشد. آنان در ایمان آوردن به رسول اکرم (ص) بر دیگران پیشی گرفته اند.

در هر حال، هر یک از اقوال یاد شده را که برگزینیم، مصداق سابقین اولین متعدد خواهد بود، اما این مطلب با اینکه در روایات، بر امیرالمؤمنین (ع) منطبق شده است، منافات ندارد، زیرا مقصود کسی است که در ایمان به پیامبر اکرم (ص) بر دیگر مهاجران و انصار سبقت گرفته است، و او کسی جز علی بن ابی طالب (ع) نیست، زیرا اگر چه حضرت خدیجه (س) قبل از علی (ع) ایمان آورد، ولی او قبل از هجرت (سال دهم بعثت) از دنبا رفت. از سوی دیگر سابقین و اولین هم زمانی است و هم رتبی، و در تطبیق آن در روایات بر علی (ع) هر دو وجه مقصود است.

اشکال: عدم دلالت تقدم در اسلام بر افضلیت مطلق

آنچه از آیات قرآن کریم در مدح و ستایش سابقین به اسلام به دست می آید این است که آنان بر دیگران برتری دارند، اما اینکه در میان خود آنان نیز هر کس در اسلام و ایمان، بر دیگران اسبق بوده است، بر آنان برتری دارد، استفاده نمی شود. از باب مثال، افرادی مانند زبیر و عثمان قبل از عمر ایمان آوردند، ولی مقام آن دو بر عمر برتر نیست، بلکه بر اساس روایات و به اجماع صحابه و توابعین، عمر بر آنان برتری دارد. بنابراین، قاعده ای کلی وجود ندارد که هر کس در اسلام و ایمان بر دیگری تقدم داشته است، بر آنان برتری دارد، تا بتوان بر اساس این قاعده، برتری علی (ع) را بر دیگر صحابه اثبات کرد.[[8]](#footnote-8)

پاسخ

برتری سابقین اولین بر دیگران که از آیات قرآن به دست می آید، بدون ملاک نیست، ملاک آن – چنان که بیان شد – اسلام و ایمان است. مقتضای قاعده عقلی و عقلایی «الملاک یعمم و یخصص»: ملاک سبب تعمیم و تخصیص حکم می باشد، این است که هر کس در ایمان و اسلام بر دیگری تقدم دارد، بر او برتر است، مگر آن که فرد دیگر دارای صفات کمالیه ویژه ای باشد که سبب برتری او بر کسی که تقدم در ایمان و اسلام دارد، باشد. بنابراین، برتری عمر بر عثمان و زبیر – بر فرض آن که ثابت و مدلل باشد – با قاعده مزبور منافات ندارد. و از طرفی مدلول صریح روایات این است که امیرالمؤمنین (ع) علاوه بر اقدم و اسبق بودن در ایمان و اسلام، در صفات دیگر مانند: علم، حلم، حکمت، جهاد و سایر فضیلت های انسانی و اسلامی، بر دیگران برتر بوده است. افزون بر این، همان گونه که بیان شد، تقدم در ایمان و اسلام، منحصر در تقدم زمانی نیست، بلکه تقدم رتبی را نیز شامل می شود، و چنین تقدمی، مستلزم تقدم و برتری در همه صفات کمال است.

اشکال

بر اساس آیه شریفه «لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا»[[9]](#footnote-9): ملاک برتری، انفاق و قتال قبل از فتح (حدیبیه) است. این دو ویژگی در ابوبکر تحقق داشت، زیرا قبل از او کسی با دست و زبانش جهاد نکرد، و از زمانی که به پیامبر (ص) ایمان آورد در انفاق مال و جهاد کوتاهی نکرد، تعدادی از بردگانی که مسلمان شده بودند را خرید و آزاد کرد، و با پیامبر (ص) قبل از امر به قتال و پس از آن، جهاد نمود. بنابراین، وی در جهاد با جان و مال بر دیگران اسبق و اکمل بود.[[10]](#footnote-10)

پاسخ

از ابوبکر در تاریخ اسلام درباره جهاد و پیکار با دشمنان اسلام و مسلمانان، مطلبی که بیان گر فضیلتی ویژه یا ممتاز باشد – پیش از دستور جهاد و قتال با مشرکان و پس از آن– یافت نمی شود. و اگر مقصود حمایت و نصرت پیامبر اکرم (ص) است، این مطلب به وی اختصاص نداشته است. اما جهاد و پیکار امیرالمؤمنین (ع) و رشادت ها و فداکاری های او در میدان نبرد با کافران و مشرکان، به گونه ای است که به عنوان ضرب الامثل از آن یاد می شود. این مطلب به گونه ای است که نه ابوبکر و نه هیچ یک از صحابه پیامبر اکرم (ص) با او قابل مقایسه نمی باشند.

درباره انفاق مالی ابوبکر نیز آنچه نقل شده این است که او چند برده مسلمان را از کافران و مشرکان خرید و آزاد کرد، اما اینکه او ثروت خود را در اختیار پیامبر (ص) گذاشته و در جهت پیشبرد اهداف بعثت نبوی مصرف کرده باشد، ذکری نشده است. این مطلب از ویژگی های حضرت خدیجه (س) می باشد. از طرفی، برخی از شواهد مسلم تاریخی حکایت از آن دارد که ابوبکر، فردی سخاوتمند و بی اعتنا به مال و منال دنیوی نبوده است. در حالی که امیرالمؤمنین (ع) در این صفت نیز سرآمد دیگران بوده است. گواه مسلم آن این است که وقتی آیه نجوی[[11]](#footnote-11) نازل شد و به مسلمانان دستور داده شد که برای نجوای با پیامبر (ص) باید صدقه بدهند، کسی غیر از علی (ع) به این دستور الهی عمل نکرد، یعنی دیگران از نجوای با پیامبر (ص) به خاطر صدقه صرف نظر کردند، و بدین جهت مورد توبیخ الهی قرار گرفتتند[[12]](#footnote-12)، اما امیرالمؤمنین (ع) یک دینار را که در اختیار داشته به ده درهم تبدیل کرده و هر بار برای نجوای با رسول خدا (ص) یک درهم را صدقه داد، تا اینکه حکم مزبور نسخ گردید.

ابوجعفر اسکافی در این باره گفته است: به ما بگویید که ابوبکر اموال خود را در چه زمینه ای انفاق کرده است؟ زیرا این کار از اموری نیست که بر دیگران پنهان بوده یا در معرض فراموشی قرار گرفته باشد. آنچه نقل شده این است که او عده ای از بردگان مسلمان را آزاد کرد که بهای آن در آن زمان به صد درهم نمی رسید. چگونه ادعا می شود که او مال بسیاری را انفاق کرده، در حالی که هنگام هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه دو شتر را به آن حضرت فروخت و بهای آن را دریافت کرد. همچنین وقتی آیه نجوا نازل شد، کسی غیر از علی بن ابی طالب (ع) که به اذعان شما در آن زمان فقیر و تنگدست بود، به آن عمل نکرد و ابوبکر که به اعتقاد شما ثروتمند بود، به آن عمل نکرد، و خداوند مؤمنان را به خاطر عمل نکردن به آیه نجوا، نکوهش نمود، و چگونه ابوبکر چهل هزار درهم را انفاق کرد و از انفاق یک یا دو درهم امساک ورزید؟[[13]](#footnote-13)

وی همچنین گفته است: در آیه «لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا»[[14]](#footnote-14)، دو فضیلت انفاق و قتال (جهاد) ذکر شده است و ابوبکر – با فرض ثابت بودن فضیلت انفاق – فضیلت قتال (جهاد) را دارا نبود، ولی هر دو فضیلت برای علی بن ابی طالب (ع) ثابت است. ثابت بودن فضیلت قتال برای آن حضرت، بدیهی و ضروری است، و فضیلت انفاق مال هم متناسب با وضعیت مالی ایشان بود. چنان که آیه «وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ أَسيراً »[[15]](#footnote-15) درباره او و همسر و دو فرزندش نازل شد. او کسی است که مالک چهار درهم بود، و آنها را در شب و روز، به صورت آشکار و پنهان انفاق کرد و آیه «الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَة»[[16]](#footnote-16) در این باره نازل شد، چنان که انگشتر خود را در حال رکوع انفاق کرد و آیه « إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُون‏»[[17]](#footnote-17) در این باره نازل شد.[[18]](#footnote-18)

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره توبه، آیه 100 [↑](#footnote-ref-1)
2. منهاج السنة، ج7، ص 87 [↑](#footnote-ref-2)
3. مجمع البیان، ج5، ص 97 [↑](#footnote-ref-3)
4. فخرالدین رازی این وجه را برگزیده است. [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره حشر، آیه 10 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره حشر، آیه 8- 10 [↑](#footnote-ref-6)
7. المیزان فی تفسیر القرآن، ج9، ص 372 [↑](#footnote-ref-7)
8. منهاج السنة، ج7، ص 87 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره حدید، آیه 10 [↑](#footnote-ref-9)
10. منهاج السنة، ج7، ص 87. قبل از ابن تبمیه، این شبهه توسط عثمانیه مطرح شده است. ر.ک : المعیار و الموازنة، ص 73- 74 [↑](#footnote-ref-10)
11. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ناجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً ذلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَر... سوره مجادله، آیه 12 [↑](#footnote-ref-11)
12. أَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَه‏... سوره مجادله، آیه 13 [↑](#footnote-ref-12)
13. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج13، ص 212- 213 [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره حدید، آیه 10 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره انسان، آیه 8 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره بقره، آیه 274 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره مائده، آیه 55 [↑](#footnote-ref-17)
18. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج13، ص 214- 215 [↑](#footnote-ref-18)